
آشنایی با حافظ



سید محمدعلی جمالزاده

تهران، ۱۳۷۹

یادداشت هیأت امنا

نویسنده شهیر ایران سید محمدعلی جمالزاده طبق موافقت نامه‌ای که در تاریخ ۲۳ مهر ماه ۱۳۵۵ با دانشگاه تهران به امضاء رسانید تمام حقوق ناشی از چاپ آثار خود را که تاکنون نزدیک به پنجاه جلد کتاب و رسالات و مقالات متعدد است به دانشگاه تهران واگذار کرده تا طبق بند آن موافقت نامه که عیناً در اینجا نقل می‌شود به مصرف برسد:

الف: یک ثلث آن (درآمد) به مصرف خرید کتابهای مفید برسد و با مجموعه کتابهای اهدایی اینجانب به دانشگاه تهران در اختیار کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران قرار گیرد. اختیار و انتخاب این کتابها با تصویب هیأت امنایی خواهد بود که ترتیب تشکیل آن در ماده ۱۵ این مقاوله نامه مقرر می‌گردد.

ب: یک ثلث دیگر عایدات به دانشجویان ایرانی علاقه‌مند و مستحق و بی‌بضاعتی تعلق خواهد گرفت که به تحقیقات ادبی و تاریخی مشغول خواهند بود «خواه در ایران و یا در خارج از ایران» به تشخیص هیأت امناء و با عنوان «بورس تحصیلی» یا اعانه تحصیلی جمالزاده.

ج: یک ثلث دیگر به یک مؤسسه خیریه از قبیل یتیم‌خانه و یا خانه مساکین سالخورده داده خواهد شد، به شرط آنکه آن در شهر اصفهان که زادگاه جمالزاده است واقع باشد، به تشخیص و ترتیبی که هیأت امناء اختیار خواهند فرمود.

همچنین آن مرحوم کتابخانه خود را به کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران بخشید و کلیه سهام شرکت سیمان را که مالک بود برای

کارهای خیر خود به دانشگاه تهران واگذار فرمود.

این هیأت با انتخاب ایرج افشار (از جانب مرحوم جمالزاده) و دکتر علی اکبر سیاسی (از جانب دانشگاه تهران) و دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی (از جانب این دو) تشکیل شد و اقدام به چاپ کتاب‌های: یکی بود و یکی نبود - دارالمجانین - صحرای محشر - آسمان و ریمان (توسط کانون معرفت) و کهنه و نو - هفت کشور - جنگ ترکمن - قنبرعلی و قصه‌های کوتاه برای بچه‌های ریش‌دار (توسط انتشار جاویدان) کرد.

با درگذشت مرحوم دکتر علی اکبر سیاسی دانشگاه تهران آقای دکتر جواد شیخ‌الاسلامی استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی را به عضویت هیأت امنا برگزید. درین دوره کتابهای تاریخ روابط روس و ایران و گنج شایگان در سلسله انتشارات موقوفات دکتر محمود افشار تجدید چاپ شد.

اینک مؤسسه انتشارات سخن تجدید چاپ کتابهایی از آن نویسنده فقید را برعهده گرفته است که به تدریج به چاپ خواهد رسید و در دسترس دوستداران قرار می‌گیرد.*

چون چاپهای پیشین نوشته‌های مرحوم جمالزاده در سنوات مختلف با حروف چینی‌های متنوع و رسم‌الخطهای مرسوم آن دوره‌ها انتشار یافته است و ضرورت می‌بود که همه کتابها در مجموعه کنونی به رسم‌الخط یکنواخت منتشر شود و ترتیب چاپ و صفحه‌آرایی به سلیقه امروزیان باشد. زحمت این مراتب و مراحل به آقای علی دهباشی واگذار شده است.

برای اطلاع بیشتر نسبت به بخشهای دیگر مرحوم جمالزاده به گفتار ضمیمه این کتاب مراجعه شود.

هیأت امنا:

جواد شیخ‌الاسلامی - محمد ابراهیم باستانی پاریزی - ایرج افشار.

* یکی بود و یکی نبود - قلتشن دیوان - تلخ و شیرین - قصه ما به سر رسید - دارالمجانین - تصویر زن در فرهنگ ایرانی - خلیفات ما ایرانیان - هفت کشور - غیر از خدا هیچکس نبود - صندوقچه اسرار - کهنه و نو - قنبرعلی - کشکول جمالی - قصه‌های کوتاه برای بچه‌های ریش‌دار - آسمان و ریمان - هفت قصه - شاهکار - آشنایی با حافظ - فرهنگ لغات عامیانه - قصه‌نویسی - نقد ادبی - برگزیده آثار و خاطرات جمالزاده.

یادداشت ناشر

سید محمدعلی جمالزاده را پایه گذار داستان‌نویسی جدید فارسی و ندا دهنده تجدید حیات نثر فارسی شمرده‌اند. عموم کسانی که درباره نثر فارسی معاصر و داستان‌نویسی جدید فارسی بحث کرده‌اند جمالزاده را پیشرو این طریق شمرده و از سهم بزرگ او در این کار یاد نموده‌اند. تأثیری که یکی بود و یکی نبود در نثر و داستان‌نویسی فارسی به جا نهاد، نام جمالزاده را همیشه زنده و پایدار خواهد داشت و اگر در دیباچه آن کتاب ابراز امیدواری کرده است که صدای وی «مانند بانگ خروس سحری کاروان خواب‌آلود [ادبیات] را بیدار سازد.» این امیدواری تا حد زیادی در نویسندگی فارسی به حصول پیوسته است.

انتشارات سخن در ادامه فعالیت‌های خود بعد از چاپ مجموعه‌های «از میراث ادب فارسی» و «شعر معاصر ایران» که هر کدام بخش مهمی از ادبیات ایران را دربرمی‌گیرد طرح چاپ مجموعه آثار سید محمدعلی جمالزاده را در دستور کار قرار داده است که با عنایت و موافقت هیأت امناء: آقایان دکتر جواد شیخ‌الاسلامی – دکتر محمدابراهیم باستانی

پاریزی و ایرج افشار این مجموعه انتشار خواهد یافت.
ویرایش و سرپرستی مراحل آماده‌سازی مجموعه آثار جمال‌زاده با
همکار ما، آقای علی دهباشی است که سالهاست با جمال‌زاده و آثار او
آشنایی دارد.

در چاپ انتشارات سخن از آثار سید محمد علی جمال‌زاده نکاتی
مانند: رسم الخط، املاي کلمات و علايم نقطه گذاری تا آنجا که به اصالت
متن و شیوه نگارش جمال‌زاده صدمه‌ای وارد نیاید، یکدست شده است.
امیدواریم سرانجام بتوانیم یک دوره کامل و منقح از آثار این نویسنده
بزرگ را در اختیار دوستداران ادب فارسی قرار دهیم.

علی اصغر علمی

فهرست

۱۳	پیش‌گفتار
۱۷	دیباچهٔ اوّل
۱۹	دیباچهٔ دوم
۲۱	باب اول
۲۳	فهرست آیات
۴۱	باب دوم
۷۵	باب سوم
۸۱	باب چهارم
۸۵	باب پنجم
۱۰۷	باب ششم
۱۱۳	باب هفتم

۱۱۹	مقدمه‌ای بر باب هشتم
۱۲۳	باب هشتم
۱۳۳	باب نهم
۱۴۵	باب دهم
۱۵۶	تتمه
۱۵۹	باب یازدهم
۱۶۹	زندگی‌نامه جمالزاده
۱۸۶	فهرست اهمّ مقالات جمالزاده
۱۹۸	استاد و نامه‌ها

بیش گفتار

شعر حافظ همه بیت‌الغزل معرفت است
آنرین بر نفس دلکش و لطف سُخنش

حافظ

هما همه حافظ را خیلی دوست می‌داریم و برایش مقام بسیار بلندی قائلیم ولی او را خیلی کم می‌شناسیم و حتی عموماً نمی‌دانیم پدرش چه نامی می‌داشته و از کجا و برای چه به شیراز آمده بوده است و چه شغل و کاری به او آب و نان می‌داده است و آیا حافظ برادر و خواهر هم می‌داشته است یا نه و حافظ فرزند منحصر به فرد او بوده است و آیا پدرش با علم و معرفت سروکاری داشته و دارای وسیله کافی بوده که فرزند خود را به مکتب و مدرسه بفرستد؟ ما نمی‌دانیم که حافظ را کی تربیت کرده و دلیل قدم‌های نخستین او بوده است و تخم ذوق و لطف و معرفت را در وجود [او] کاشته است و رفته‌رفته به چه وسیله این جوان به چنان مقام بلندی در

فضل و کمال و حتی نبوغ رسیده است؟ ما نمی‌دانیم که آیا به طریقهٔ تصوّف پیوستگی داشته است یا نه و همینقدر است که به موجب سخنان خودش می‌دانیم که از ریا و تزویر و تظاهر و ازین قبیل کارها سخت مُتَنَفِّر و منزجر بوده است و حقّ چنین طایفه و طوایفی را هر چه تمامتر کف دستشان نهاده است. ما حتی نمی‌دانیم که چه نوع لباسی می‌پوشیده است و آیا عمامه و دستار بر سر می‌داشته است یا نه و با آنکه مکرر از خرقهٔ خود (گاهی خرقهٔ پشمینه) سخن رانده است «بیتی از ابیات خود او» از «طراز پیرهن زرکش» هم صحبت به میان آورده است. چون مُدام از معشوقه‌های بلند قامت سخن رانده است و عموماً مرد از زنی خوشش می‌آید که هم قد خود باشد می‌توان پذیرفت که خودش نیز بلند قامت بوده است. حافظ چنانکه خودش فرموده بسیار کم به اطراف مسافرت کرده است و همینقدر می‌دانیم که سفری به یزد کرده است ولی علت و موجبات این مسافرت درست بر ما روشن نیست و شاید بتوان تصوّر نمود که به رسم «تبعید» ولی محترمانه بدانجا فرستاده شده بوده است. ما نمی‌دانیم چرا پس از آنکه آنهمه از شیراز و مردم شیراز به خوبی یاد کرده است بعدها آنهمه ایرادهای شدید بدانها وارد ساخته است و چرا به صراحت کلام خود او خانه‌اش [را] غارت کرده بوده‌اند و آیا مقصودش از اینکه فرموده شاه ترکان او را به چاه انداخته بوده است چیست؟ و آیا واقعاً او را به چاه انداخته بودند و یا به «چاه انداختن» اصطلاحی از اصطلاحات مردم شیراز و آن صفحات است؟

در هر صورت من پیر سالخورده با همه ناتوانی دو سه بار دیوان حافظ را از بَاءِ بِسْمِ اللّٰهِ تا تاءِ تَمَّتْ گاهی به دَقَّتْ و گاهی سرسری و باشتابزدگی خواندم و مطالبی را که در ذهنم تأثیری باقی گذاشته بود یادداشت کردم و اکنون به صورت بسیار

درهم و برهمی در یازده باب ناقص و گاهی با تکرار غیر عمدی به هموطنانم عرضه می‌دارم و بسیار خوشوقتم که در این پایان عمر توانستم این کار را به هر صورتی است به پایان برسانم و امیدوارم قبل از پایان عمر توفیقات غیبی مددکارم باشد و به چاپ هم بتوانم برسانم. می‌دانم که کار نارسایی است و جای ایراد به حق بسیار باقی است و امیدارم عذرم مقبول باشد و برایم طلب مغفرت بنمایند و جوانان هموطنم به کمک درایت و فراست و همت در تکمیل این کار سر تا پا عیب، صرف اوقات بفرمایند و روح را شاد نمایند و اذا مرؤا باللغو مرؤا کراماً.

ژنو، رمضان سال ۱۴۰۷ هجری قمری مطابق با اردیبهشت سال ۱۳۶۶
هجری شمسی (آوریل، مه ۱۹۸۷ میلادی) سید محمدعلی جمال‌زاده